



گفت و شنوذهای رسانه‌ای

نویسنده: اندرو تولستون

مترجم: پروین حیدری

تهران؛ ۱۳۸۸

ناشر: طرح آینده، ۲۷۶ صفحه

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

محمد حسن خازنی

این اثر دارای دو بخش اصلی است. در بخش اول دو فصل وجود دارد. محور بحث در این بخش عبارت است از «کلیت گفت‌وگوهای رسانه‌ای». این بخش شامل فصل‌های زیر است:

۱. مقدمه‌ای بر گفت‌وگوهای رسانه‌ای شامل: مفهوم تعاملی بودن؛ مفهوم اجرای نقش، سر زنده بودن و ...

۲. تحلیل گفت‌وگوهای رسانه‌ای شامل: تحلیل مکالمه، روش‌شناسی قوم‌شناختی، همجواری و ...

در بخش دوم ۷ فصل وجود دارد که محور بحث در این بخش عبارت است از «نمونه‌هایی از توضیحات بخش اول». فصل‌های این بخش نیز عبارتند از:

۱. گفت‌وگوی خبری شامل: عدم ثبات گونه گفتار؛ خبر به عنوان حکایت و ...

۲. گفت‌وگوی سیاسی شامل: مناظرات ریاست جمهوری، بحث‌های معمولی و ...

هدف اصلی در این کتاب همان‌گونه که خود کتاب هم ذکر کرده، شناخت چگونگی طراحی اشکال گفت‌وگو در گونه‌های مختلف برنامه برای جذب بینندگان و شنوندگان است.

به همین منظور کتاب در بخش اول خود به مباحثی پیرامون کلیت گفت‌وگوهای رسانه‌ای می‌پردازد.

کتاب در ابتدا اشاره می‌کند که مطالعات رسانه‌ای از «مطالعات فرهنگی» تأثیر عمیقی گرفته‌اند و بر این اساس «معنا» یا «ایدئولوژی» مورد تحلیل قرار می‌گیرد و همچنین به واکنش مخاطبان پرداخته می‌شود.

کار یک قدم به جلو می‌رود و این‌طور بیان می‌شود که «گفت‌وگو» محور اساسی در پخش برنامه؛ چه در رادیو و چه در تلویزیون است و نکته‌ی حائز اهمیت، تلاش برای جذب مخاطب و توجه اوست.

در ادامه، به مفهوم «تعاملی بودن» اشاره می‌شود. به عنوان مثال

پیش گرفته شده است. مطالب، کمی تکراری می‌شوند؛ به طوری که خواننده ممکن است از چندین قسمت کتاب صرفنظر کند. همچنین فهم بعضی از مطالب دشوار است. البته شاید نتوان در نگاه اول آن را یک عیب دانست، ولی الزامی وجود ندارد که سختگیرانه عمل شود. امکان آسانتر بیان کردن مطالب نیز وجود داشت. البته شاید این گفته ارتباطی به محافظه کارانه بودن نداشته باشد؛ ولی وقتی در اثر تکراری بودن مطالب، خواننده از خواندن بعضی قسمت‌ها صرفنظر می‌کند و بخش‌هایی دیگر را هم نمی‌فهمد، با مشکل مواجه می‌شود.

نکته‌ی دیگر این است که جذابیت مطالب و گفته‌ها چندان زیاد نیست. همه می‌دانیم که از مهم‌ترین ویژگی‌های یک متن، این است که خواننده را به دنبال خود بکشاند. این امر باعث می‌شود که روال خواندن صفحات هم بهبود یابد و سرعت بیشتری حاصل شود. ولی متأسفانه متن حاضر به شکلی است که باعث توقف بسیار در حین مطالعه می‌شود که این مسئله، خود رشته‌ی موضوع را از دست مخاطب خارج می‌کند.

نکته‌ی دیگر اینکه کتاب به تعامل، رعایت هنجار و ... اشاره می‌کند که در کشورهای مختلف هم به اشکال یکسان و هم گوناگون وجود دارد. مسلماً رعایت صداقت و هنجارها در همه جا وجود دارد. پس یک طرح کلی خوب ارائه می‌شود و این مسئله با فرهنگ ارتباط داده می‌شود. اما اینکه یک گفت‌وگو چقدر می‌تواند نمایانگر فرهنگ جامعه‌ی خودش باشد، بحث دیگری است؛ که البته در بخش دوم «نمونه‌هایی» را ذکر کرده و انواع گفت‌وگو را بررسی کرده است. در اینجا ما به یک نمونه از آن اشاره می‌کنیم و آن گفت‌وگو در «سیاست» است. سیاست ناپاک است و خیلی از حرمت‌ها را زیر پا می‌گذارد. این مطلب همگانی است. در این کتاب این‌طور بیان شده که گفت‌وگو می‌تواند نماد فرهنگ یک جامعه باشد. اما در گفت‌وگوی سیاسی همه چیز وارونه می‌شود و خیلی از اصول رعایت نمی‌شود. پس نمی‌تواند به تمام معنا، فرهنگ یک جامعه را نشان دهد. البته در بخش گفت‌وگوی سیاسی، کتاب قصد دارد به این موضوع اشاره کند و کشور آمریکا را مثال می‌زند و انواع شگردهای کارآمد در علم سیاست را بیان می‌کند؛ اما به هر حال همه‌ی اصول چه در آمریکا و چه در مناطق و اماکن دیگر رعایت نمی‌شود. پس کتاب باید اشاره می‌کرد که همیشه یک گفت‌وگو نمی‌تواند نمایانگر فرهنگ جامعه‌ی خودش باشد و ما می‌توانیم برای آن مثال نقض بیابیم.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توانیم بگوییم که به نظر نگارنده، نکات قابل قبولی در این کتاب ذکر شده، اما کافی و جامع نیست و به اکثر آنها می‌توان انتقاد وارد کرد. مشکل مهم در اینجا است که خواننده نمی‌تواند یک سیر کلی را برای خودش در نظر بگیرد و در پایان کار به یک جمع‌بندی کامل برسد.

اشاره می‌شود که در گفت‌وگویی که از طریق رسانه پخش می‌شود، سلام و احوالپرسی مجری، این حس را القا می‌کند که مخاطب احساس کند در جریان کار قرار دارد. از این مسئله با عنوان «جفت هم‌جوار» نام برده می‌شود؛ به این معنی که برخی از گفته‌ها در مکالمات؛ حتماً جواب دارند و سلام و احوالپرسی یک نمونه از آنهاست. حال چگونه می‌شود مخاطبی که در برنامه حضور ندارد جواب سلام خود را برساند، سؤال دیگری است که به آن پرداخته می‌شود. در اینجا باید گفت که این سلام و احوالپرسی مجری و برنامه، درست است که جواب واضح و به اصطلاح شنیدنی به همراه ندارد، ولی از لحاظ تأثیر و جلب توجه می‌تواند مؤثر باشد.

به مطالب دیگری هم اشاره می‌شود مثلاً این که در یک گفت‌وگو، رعایت پاکی و صداقت ضروری است و لازم است که مطالب از طرف مجری و مهمان تحریف نشود تا مثلاً منجر به عوام فریبی شود و حقیقت را به طرز دیگری جلوه دهد. باید رفتار براساس هنجارها صورت پذیرد و تمام قواعد و قوانین که مورد قبول یک جامعه است و در آن به تأیید رسیده است رعایت شود. به عنوان مثال اگر یک برنامه‌ی گفت‌وگو، چند مهمان دارد، رعایت نوبت صورت گیرد و مقدار زمان صحبت برای هر کدام از آنها سنجیده شود. لازم است که به قدر لزوم؛ نه کمتر و نه بیشتر صحبت شود. از ارائه‌ی نظر پیرامون چیزی که درباره‌ی آن مدرک و شاهد وجود ندارد، خودداری شود، برنامه؛ مرتبط با موضوع پیش برده شود و از ابهام اجتناب شود.

بنابراین می‌توان این‌طور اشاره کرد که «گفت‌وگو» در رسانه به نوعی از مبانی فرهنگی سرچشمه می‌گیرد یا تأثیر بسیار می‌گیرد و در نیمه‌ی لزوم یک «ایدئولوژی» یا به هر حال «روش» مناسب برای یک گفت‌وگوی سالم، آشکار می‌شود که نمایانگر مبانی فرهنگی و اصول و قواعد آن جامعه است.

پس برای رسیدن به این مهم باید یک مسیری را طی کرد که ویژگی‌های خاص و بارزی داشته باشد مانند: تعامل، رعایت صداقت، رعایت هنجارها و ...

ارزیابی

باید اظهار داشت که بهتر بود که در این اثر از «عکس و نمودار» نیز استفاده می‌شد. کتاب فقط حاوی متن‌های پشت سر یک دیگر است که باعث خستگی می‌شود. وجود «عکس و نمودار» می‌تواند فهم مطلب را برای مخاطب آسان سازد و بر جذابیت کار بیافزاید.

نحوه‌ی چینش مطالب مناسب است، ولی توضیحات داده شده در متن کتاب در قسمت‌های گوناگون به خوبی مرتبط نیستند که در ادامه توضیح داده شده است. چینش و طبقه‌بندی مطالب خوب است، اما محتوای آنها نمی‌تواند مکمل آن باشد و خواننده در متن گم می‌شود. به نظر می‌رسد در این کتاب یک شیوه‌ی نسبتاً محافظه‌کارانه در